

اطلس زبانی، گویش سنجی و مستندسازی زبان. آتوسا رستم‌بیک نفرشی،
تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰، ۲۷۷ صفحه.

فاطمه اترافی^۱ (دانشجوی دکترای زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۷، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

کتاب اطلس زبانی، گویش سنجی و مستندسازی زبان حاصل طرحی پژوهشی با عنوان «روش‌های عملی در مطالعات گویشی: اطلس زبانی، گویش سنجی و مستندسازی زبان» است که در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ توسط دکتر آتوسا رستم‌بیک نفرشی، استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این پژوهشگاه به‌انجام رسیده است.

نویسنده در پیشگفتار این درس‌نامه حوزه گویش‌شناسی با معرفی مطالعات گویشی به‌عنوان یکی از شاخه‌های دیرپای زبان‌شناسی، آن را جزو پویاترین و مطرح‌ترین حوزه‌های زبان‌شناسی امروز می‌داند.

وی هدف این کتاب را به‌تصویرکشیدن پیشرفت‌های تهیه اطلس زبانی، محاسبه فاصله‌های گویشی و ثبت و توصیف گویش‌ها معرفی می‌کند و با تأکید بر اینکه تلاش برای حفظ گونه‌های زبانی و بیم زوال آنها از یک‌سو و اهمیت توصیف گونه‌ها و تنوع‌های زبانی از منظر زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی از سوی دیگر، دلیلی برای توصیف و مستندسازی گونه‌های زبانی است، گذر زمان و گسترش فناوری‌های رایانشی را موجب شکل‌گیری تحولاتی بزرگ در این شاخه از پژوهش‌های زبانی و گویشی می‌داند و این کتاب را معرف سیر تحول روش‌شناختی و ابزاری در

1. atrakifateme@gmail.com

اطلس‌های زبانی، گویش‌سنجی و مستندسازی زبان به‌عنوان سه روش در بازنمایی، ارزیابی و مستندسازی تنوع‌های زبانی و گویشی برمی‌شمارد.

مقدمه

در کتاب حاضر، هدف گویش‌سنجی، شناسایی ساختارهای کلی به‌ظاهر پنهان از طریق بررسی تعداد زیادی مشخصه زبانی برشمرده شده است. نویسنده بر این باور است که با استفاده از این روش، مشکل استثنایهای مربوط به یک ویژگی خاص، نتایج آماری نامرتبط و ماهیت تصادفی و دل‌بخواهی‌بودن انتخاب مشخصه‌ها کم می‌شود و شواهد زبانی قابل استناد به‌دست می‌آید. بر مبنای این شواهد، گویش‌سنجی به اندازه‌گیری، تجسم و تحلیل مجموع شباهت‌ها و حد فاصل‌های گویشی می‌پردازد.

کتاب در قالب سه فصل کلی تدوین شده است؛ فصل اول با عنوان «روش‌شناسی اطلس‌های زبانی» شامل تاریخچه مختصری از اطلس‌های زبانی، روش‌های گردآوری داده، تحلیل و نمایش نتایج در انواع اطلس‌های زبانی و معرفی نمونه‌هایی از اطلس‌های جدید است. در فصل دوم که به‌صورت «گویش‌سنجی: فاصله‌سنجی گویشی» نام‌گذاری شده است، مطالبی از جمله معرفی پژوهش‌های پیشرو در این زمینه، بررسی روش‌شناسی مطالعات گویش‌سنجی و معرفی برخی نرم‌افزارهای تهیه نقشه‌های زبانی و انجام تحلیل‌های گویش‌سنجی همچون گب‌مپ و دیاتک؛ آمده است و فصل سوم با عنوان «مستندسازی زبان، فراتر از یک روش» شامل شرح و بررسی اصول و روش‌های مستندسازی یک زبان یا گویش، ملاحظات انسانی، اخلاقی و روش‌شناسی پژوهش‌های میدانی زبان‌شناسی و معرفی نرم‌افزارهای مختلف مربوط به مستندسازی زبان مانند ابلن، پرات و فلکس است.

فصل اول: روش‌شناسی اطلس‌های زبانی

نویسنده در این بخش با ارائه توضیحاتی درباره تاریخچه اطلس‌های گویش‌شناسی جهان، به تلاش‌های صورت‌گرفته در ایران نیز اشاره می‌کند.

بر این اساس، تهیه اطلس‌های زبانی به‌عنوان شاخه‌ای مرتبط با زبان‌شناسی در قرن نوزدهم مطرح شد (لاملی^۱، ۲۰۱۰) و نقشه‌های زبانی^۲ اولیه در درجه اول به آواها و واژه‌ها و معمولاً تنها به یک مشخصه زبانی توجه داشته‌اند (کرک^۳، ۲۰۰۲). گویش‌شناسان دور روش عمده پرسشنامه‌های پستی و پژوهش میدانی را برای گردآوری داده‌های مربوط به نقشه‌های گویشی به‌کار می‌گرفتند و

1. A. Lameli

2. Linguistic map

3. J. M. Kirk

اطلاعاتی همچون زبان‌های رسمی^۱، دوزبانگی^۲، چندزبانگی^۳، مرز همگویی^۴ و... را روی نقشه مشخص می‌کردند.

در ایران به تلاش‌های «به‌ثمرننشسته» یارشاطر و ژرژ ردار^۵ در نیمه اول دهه ۱۳۴۰ اشاره می‌شود و طرح فرهنگ‌ساز پورریاحی (۱۳۷۴: ۲۱-۱۹) با همکاری فرهنگستان زبان ایران و سازمان جغرافیایی کشور معرفی می‌شود که با هدف گردآوری گویش‌ها انجام گرفته است. در توضیح این طرح چنین آمده است: مجریان طرح از شروع کار در ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ توانستند از حدود ۱۴۰۰۰ روستا نمونه‌برداری کنند که در سال ۱۳۶۱ به صورت کتابی سه جلدی با عنوان شناسایی گویش‌های ایران منتشر شد.

در ادامه، نویسنده به تلاش‌های انفرادی پراکنده برای تهیه اطلس گویشی می‌پردازد و چنین می‌آورد: هرچند گردآوری داده با هدف تهیه اطلس زبانی و گویشی از سال‌ها پیش آغاز شده است، ارائه این اطلس هنوز محقق نگردیده است و پژوهش‌هایی که به روش‌شناسی تهیه اطلس‌های زبانی پرداخته‌اند نیز بسیار اندک‌اند.

در بخش «از نقشه نگاری تا اطلس‌های زبانی» به معرفی اطلس‌های زبانی به‌عنوان مجموعه‌ای نظام‌مند متشکل از نقشه‌هایی که در قالب کتاب با هدف خاصی گردآوری شده‌اند می‌پردازد و اطلس زبانی اروپا (بیوندلی^۶، ۱۸۴۱) را به‌عنوان نقطه آغاز تهیه اطلس‌های گویشی در نظر می‌گیرد. به‌باور چمبرز^۷ و ترادگیل^۸ (۲۰۰۴: ۱۷-۱۶) اولین اطلس گویشی حاصل پژوهش ونکر^۹ (۱۸۷۸) در آلمان است. او فهرستی از جملات را به آلمانی معیار نوشت و برای مدیران مدارس شمال آلمان فرستاد و از آنها خواست تا این جملات را به گویش محلی آوانگاری کنند. این طرح که تا چهار دهه بعد، یعنی تا سال ۱۹۲۶ به طول انجامید، وسعت پوششی قابل توجهی دارد و جمله‌های ونکر امروزه نیز در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و به صورت الکترونیکی نیز در دسترس قرار داده شده است. پس از آن پژوهش‌های مشابهی در دانمارک، فرانسه، سوئیس، ایتالیا و اسپانیا نیز انجام گرفت.

نویسنده در ادامه پس از اشاره به آثار پژوهشی ونکر و ژیلیرون^{۱۰} که اصول زیربنایی نقشه‌نگاری زبانی را معرفی کردند، آثار فردینان ورد^{۱۱}، میتزکا^{۱۲} و همکاران (۱۹۸۰-۱۹۵۱) و اطلس زبانی رادولف هوتسکوچرله^{۱۳} (۱۹۵۳) را به‌عنوان پیشگامان تهیه اطلس زبانی معرفی می‌کند.

در بخش دیگری با عنوان «روش‌شناسی تهیه اطلس‌های زبانی» درباره طبقه‌بندی اطلس‌های زبانی بر مبنای تعداد زبان‌ها و گویش‌ها و وسعت ناحیه تحت پوشش از یک سو و شیوه نمایش اطلاعات از سوی دیگر توضیحاتی داده می‌شود.

- | | | |
|------------------------|-----------------|--------------------|
| 1. official language | 2. bilingualism | 3. multilingualism |
| 4. isogloss | ۵. G. Radar | 6. B. Biondelli |
| 7. J. Chambers | 8. P. Trudgill | 9. G. Wenker |
| 10. J. Gillieron | 11. F. Wrede | 12. W. Mitzka |
| 13. R. Hotzenkoecherle | | |

رستم‌بیک شروع هزاره جدید و ظهور منابع برخط، تارنماها و اینترنت را فرصتی بی‌سابقه برای نمایش و توزیع داده‌ها به شیوه‌های چندرسانه‌ای برمی‌شمرد و ادامه می‌دهد: نقشه‌های زبان‌شناختی معمولاً از مواد زبانی مشتق شده‌اند که طی پیمایش‌های وسیع بین‌المللی، ملی یا ناحیه‌ای گرد آمده‌اند. مصاحبه مستقیم، پرکردن پرسش‌نامه حضورى همراه با ضبط صدا، گفتگوی تلفنی و پرسش‌نامه‌های کتبی از جمله روش‌های مختلفی‌اند که برای تهیه اطلس‌های زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

نویسنده در ادامه، پس از معرفی نقشه‌های پایه به توضیح روش‌های کمی و کیفی نقشه‌نگاری می‌پردازد و در معرفی اطلس‌های زبانی رایانه‌ای می‌نویسد: هرچند اخیراً در عمل در همه اطلس‌ها از رایانه استفاده می‌شود ولی اولین طرح‌هایی که از رایانه برای کشیدن نقشه‌های زبانی استفاده کردند، در دهه ۱۹۷۰ انجام گرفتند.

فصل دوم: گویش‌سنجی: فاصله‌سنجی گویشی

فاصله بین دو زبان یا گویش می‌تواند شاخص خوبی برای تصمیم‌گیری درباره منابع مورد نیاز برای رساندن فناوری زبان به زبان‌های کمتر شناخته‌شده باشد.

در کتاب ذکرشده، گویش‌سنجی در تلاش برای کشف روابط بین گویش‌ها و زبان‌ها از طریق مقایسه نظام مند مجموعه بزرگی از اقلام زبانی و تلفیق آنها و اندازه‌گیری تفاوت‌هایشان معرفی می‌شود. نویسنده بر این باور است که به این ترتیب گویش‌سنجی در اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی و تعیین مرزهای زبانی به شدت متأثر از روش‌های آماری و رایانه است.

پس از شرح کلی درباره چارچوب کلی برخی از مطالعات پیشرو در این حوزه، پرکاربردترین روش‌های آماری معرفی و بررسی می‌شوند و شیوه‌های انجام محاسبات آماری و نمایش نتایج در قالب نقشه‌های زبانی و نمودار که با استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای تخصصی گویش‌سنجی انجام می‌شود، معرفی می‌گردند. نویسنده از جمله این نرم‌افزارها به RuG/L04 و Gabmap و Diatech اشاره می‌کند و با بیان اینکه به تازگی در ایران نیز استفاده از روش‌های گویش‌سنجی برای اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است، از آثار اسدپور (۱۳۹۱)، رستم‌بیک نفرشی (۱۳۹۵) و نجفیان و همکاران (۱۳۹۳) نام می‌برد.

در بخشی با عنوان «گویش‌سنجی: اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی» روش‌های رایانشی است که تا حد زیادی وابسته به محاسبات کمی است، به عنوان یکی از روش‌های نشان‌دادن الگوهای توزیع جغرافیایی متغیرها در کنار روش‌های سنتی و ادراکی مطرح می‌شود. نویسنده با توجه به اینکه برای همه گویش‌های مورد استفاده در جوامع مختلف می‌توان نوعی پراکندگی فضایی در نظر گرفت،

چگونگی مدیریت زبانی فضا توسط انسان‌های ناطق را موضوعی جهانی و همچنین به‌نوعی میان‌رشته‌ای می‌داند زیرا در حیطه‌های مختلفی چون مردم‌شناسی، قوم‌شناسی و ژنتیک جمعیت نیز پرسش‌های مشابهی در زمینه مدیریت فضا (مکان) مطرح می‌شود.

اما در زمینه ریشه‌شناسی لغات، نتایج حاصل از گویش‌سنجی به مباحث در زمانی مرتبط دانسته می‌شود و نویسنده بسیاری از نتیجه‌گیری‌های مهم در زمانی درباره جنبه‌های مختلف ارتباط و تعامل در فضا را در چنین پژوهش‌هایی در دسترس می‌داند.

در بخش دیگری از فصل دوم، «روش‌های طبقه‌بندی گویش‌ها» معرفی می‌شوند که نخستین آنها «روش جغرافیایی ساختاری» است. با استفاده از این روش، می‌توان یک ناحیه زبانی را به ناحیه‌های گویشی تقسیم کرد. گویش‌هایی با فهرست واج‌های یکسان یک ناحیه گویشی را تشکیل می‌دهند و هر ناحیه گویشی با فهرست واج‌های خاص خود شناخته می‌شود. تاکنون از این روش فقط برای ناحیه‌های کوچکتر استفاده شده است.

روش دیگر «آزمایش‌های ادراکی» است که محاسبات و تحلیل‌های منعکس‌کننده نظر گویشوران غیرمتخصص و بر مبنای ادراک شنوندگان درباره فاصله‌های زبانی و گویشی در این گروه قرار می‌گیرد. نویسنده در مثالی به کار پژوهشی گووسکنز^۱ (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که برای بررسی فاصله‌های ادراکی بین هلندی معیار و دیگر گونه‌های هلندی، قطعات صوتی را در اختیار افراد قرار می‌داد و از آنان می‌خواست تا شباهت آن قطعات به هلندی معیار را با شماره‌های یک تا ۱۰ تعیین کنند.

«روش‌های آماری و رایانه‌ای» زیربخش دیگری است که به کار سگای^۲ و همکارانش می‌پردازد که برای ترسیم عینی تر نقشه‌ها از روش‌های آماری بهره گرفتند. آنان با در نظر گرفتن مکان‌های مجاور، تفاوت‌های گویشی دو منطقه را شمردند و آنها را با درصد نشان دادند. این درصد، نمره شاخص فاصله زبانی بین دو مکان در نظر گرفته شد. در این روش فراوانی حروف، آواها، مشخصه‌ها، واژه‌ها و محاسبه فاصله لونشتاین^۳ (ارزش عددی افزایش‌ها، حذف‌ها و جایگزینی‌ها = فاصله ویرایش) مورد توجه قرار گرفت.

در بخش بعدی با عنوان «نمایش فاصله‌های گویشی و نقشه‌نگاری»، روش‌های تعیین نقطه‌های گویشی از جمله خوشه‌بندی، تعیین مرکز ثقل، دندوگرام، کوهونن، کروپلت، اینترپوینت، نقشه‌های پرتویی، نقشه‌های پیوستاری، نقشه‌های خوشه‌ای و دیاگرام‌های شبکه‌ای نام برده می‌شوند.

در ادامه روش‌های طبقه‌بندی گویش‌ها به «بررسی الگوی تنوع زبانی با استفاده از روش‌های گویش‌سنجی» پرداخته می‌شود. نویسنده الگوهای تنوع را با اندازه‌گیری مجموع تنوع و از طریق استفاده از روش‌های گویش‌سنجی قابل دستیابی می‌داند؛ به این ترتیب که تفاوت‌های بین تعداد

1. C. Gooskens

2. J. Ségué

3. Levenshtein distance

زیادی متغیر زبانی جمع بسته می‌شود تا قدرت آنها بیشتر شود. بر این اساس، در این روش فرض بر این است که همه تنوع‌ها حاصل پراکندگی هستند، حتی اگر منشأ آنها مشخص نباشد. به این ترتیب اعمال فنون مورد نظر بدون بررسی شروع تغییرات و جهت آنها وجود دارد. در پایان این فصل چند نمونه نرم‌افزار مرتبط با کار گویش‌سنجی برای خوانندگان معرفی می‌شود. در مجموعه نرم‌افزار گویش‌سنجی تجسمی (VDM)^۱ که در سال ۲۰۰۰ توسط ادگار هایمرل^۲ تهیه شد، نمایش و سازمان‌دهی نقشه‌های زبانی، ارزیابی ماتریس‌های داده و محاسبه ماتریس‌های شباهت و انواع مدل‌های نمایش شباهت یا ماتریس‌های فاصله در دسترس است.

فصل سوم: مستندسازی زبان: فراتر از یک روش

در فصل پایانی کتاب، نویسنده با اشاره به اینکه ثبت زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف در ایران به‌شيوه سنتی، یعنی با گردآوری داده‌های زبانی شامل واژه‌ها، جملات و متون کوتاه و توصیف دستوری گونه زبانی و چاپ آن در قالب کتاب، انجام شده است، از کتاب‌های بسیاری که در قالب تک‌نگاشت در این زمینه به‌چاپ رسیده می‌نویسد و ادامه می‌دهد: با این حال، مستندسازی زبان‌های ایرانی در معنای تخصصی آن که با دیجیتال‌کردن اطلاعات زبانی و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی انجام می‌گیرد، در ایران هنوز رواج نیافته است.

رستم‌بیک با تأکید بر اینکه پیش از آغاز گردآوری داده‌ها باید سطوح مختلفی از جامعه مورد نظر (ترکیب اجتماعی، مرزهای اجتماعی-جغرافیایی و مسائل اقتصادی) را مورد کنکاش قرار داد، می‌نویسد: مهم‌ترین شیوه بررسی زبان‌های در خطر مطالعه میدانی است.

در بخش «ویژگی‌های مستندسازی زبان و پیکره زبانی مستندشده» دربارهٔ تدوین دستور زبان، فرهنگ لغت و گردآوری متون روایی به‌عنوان کارهای اولیه در زمینه توصیف زبان‌ها توضیح داده شده است. امروزه تأکید بر مستندسازی زبان است که شامل ضبط صوتی و ویدیویی موقعیت‌های مختلف گفتاری می‌شود، به‌گونه‌ای که آوانگاری، ترجمه و شرح آنها در مرکز توجه قرار دارد.

همچنین با نقل قولی از آستین (۲۰۰۶)، گردآوری داده، ارائه و انتشار آن جزو اهداف اصلی و شرح دستور، تدوین فرهنگ لغات و غیره به‌عنوان هدف ثانویه و وابسته برشمرده می‌شوند. نه‌تنها زبان‌شناسان، بلکه حوزه‌های دیگری چون مردم‌شناسی، موسیقی‌شناسی یا تاریخ شفاهی و همچنین اعضای جامعه زبانی که زبان‌شان مستند شده است و سایر افراد علاقه‌مند از جمله مخاطبان مستندسازی زبان هستند.

پس از شروط مستندسازی زبان، از جمله ثبت و ضبط به‌شيوه چندرسانه‌ای، خنثی‌بودن از دیدگاه

1. Visual Dialectometry

2. E. Heimerl

نظری، داشتن قابلیت استفاده برای بسیاری از رشته‌ها که معمولاً به مطالعه مردم و جوامع زبانی می‌پردازند، قابل درک بودن برای پژوهشگران سایر رشته‌ها و نبود نیاز به دانش و اطلاعات اولیه از آن زبان برای درک و کاربرد آن، «استانداردهایی برای ارائه داده‌ها» مطرح می‌شوند؛ از جمله اینکه بهتر است برای آوانگاری از الفبای آوانگاری بین‌المللی استفاده شود. همچنین، برای به‌حداکثر رساندن میزان دسترسی به داده‌ها، فرمت‌های استاندارد ذخیره داده‌ها به صورت MPEG1/2 برای رمزگذاری ویدیویی، WAV برای فایل‌های صوتی، XML به‌عنوان زیربنای نحوی و ساختاری انواع مختلف متن و UNICODE برای یکسانی فونت‌ها معرفی می‌شوند.

«فرایندهای مستندسازی» بخش دیگر این فصل است که به فرایندهای دخیل در گردآوری، پردازش و ذخیره داده‌ها می‌پردازد: ضبط (فایل‌های صوتی، تصویری و متن)، ثبت (انتقال محتواهای آنالوگ و دیجیتال)، تحلیل (آوانگاری)، ترجمه، شرح و حاشیه‌نویسی و یادداشت‌برداری فراداده)، آرشیوکردن (ایجاد آرشیو و در نظر گرفتن راه‌های دسترسی و حقوق استفاده از آن)، انتقال پذیرکردن (نشر و توزیع محتواها به شکل‌های مختلف).

نویسنده در بخش بعدی با عنوان «کاربست ابزارهای دیجیتالی در مستندسازی زبان» ضمن اشاره به آسان‌شدن گردآوری حجم وسیعی از اسناد و توصیف‌های زبانی و نگهداری آنها به شکل دیجیتالی، ادامه می‌دهد: آوانویسی مواد زبانی با استفاده از خط مناسب، سازماندهی آنها در پایگاه‌های داده‌ها و الصاق آنها به توصیف‌های زبانی به‌سادگی امکان‌پذیر است.

همچنین می‌توان به آسانی منابع زبانی ارزشمند را در اینترنت منتشر کرد. با این حال، نمی‌توانیم اطمینان داشته باشیم که این منابع توسط دیگران نیز قابل استفاده مجدد باشند. زبان‌شناسانی که همپای فناوری‌ها گام برداشته‌اند و مواد زبانی دیجیتالی خلق و در تارنماها منتشر کرده‌اند، خیلی زود خود را در باتلاق فناوری‌ها گرفتار می‌بینند. معمولاً طرح‌های مستندسازی به نسخه‌هایی از نرم‌افزار، فرمت فایل و تنظیمات سیستم وابسته‌اند که خود حداکثر عمری برابر با ۳ تا ۵ سال دارند. با تغییر این ساختارها، مستندسازی زبان به سرعت در گل‌ولای فناوری قدیمی و مهجور گرفتار می‌شود. این وضعیت برای زبان‌های در خطر بحرانی‌تر است. بنابراین زبان‌شناسان باید از «بهترین روش‌ها» در مستندسازی و توصیف دیجیتالی زبان استفاده کنند که تا حد زیادی نگهداری و حفظ آنها را در درازمدت افزایش می‌دهند.

نویسنده می‌افزاید: از آنجا که بسیاری از آنچه به‌عنوان ابزار و نرم‌افزار در اختیار زبان‌شناسان برای مستندسازی وجود دارد، زبان فارسی را پوشش نمی‌دهد، تلاش‌های قابل توجهی در ارتباط با زبان فارسی صورت گرفته است؛ پایگاه داده‌های فارسی (عاصی، ۱۳۷۶) پیکره‌ای با قابلیت ارائه فهرست بسامدی و فهرست واژه‌نما و برچسب‌دهی‌های دستوری، آوایی و معنایی، پیکره بی‌جن خان

(بی‌جن‌خان، ۱۳۸۳) در بردارنده متون عمومی و اخبار، فارس نت پایگاه دانشی مشتمل بر اطلاعاتی درباره واژه‌ها و ترکیبات زبان، اطلاعات نحوی و روابط معنایی میان آنها مشتمل بر ۱۰ هزار مجموعه هم معنی و ۱۸ هزار کلمه فارسی، فارس دات پایگاهی با دادگان گفتاری استاندارد زبان فارسی و نرم‌افزار شنوا برای تبدیل گفتار به نوشتار فارسی از جمله وبگاه‌های معرفی شده در این بخش‌اند.

نتیجه‌گیری

تنوع گویشی قابل توجه در ایران، تازگی دغدغه‌مندی نسبت به موضوع کتاب در کشور و نبود منابع فارسی در این زمینه، جای خالی پژوهش‌هایی از این دست را به‌روشنی آشکار می‌سازد و از این بابت کتاب مورد نظر اثری مفید، بجا و مقدمه‌ای بر کارهای مفصل‌تر خواهد بود. از ویژگی‌های جالب توجه این اثر، روزآمد بودن آن و معرفی نرم‌افزارهای مرتبط با رسم نقشه‌های زبانی همراه با تصاویر گویا و رنگی از نقشه‌ها و محیط نرم‌افزارهاست؛ به طوری که، در معرفی نرم‌افزار گب‌مپ، نویسنده با گنجانیدن تصاویر متعدد و روشن از محیط نرم‌افزار، دست خواننده را می‌گیرد و با حوصله و دقت او را در آشنایی با این ابزار همراهی می‌کند. در پایان کتاب دو واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی قرار داده شده که مخاطب را در آشنایی با اصطلاحات پرشمار مربوط به اطلس‌های زبانی، گویش سنجی و مستندسازی زبان‌ها یاری می‌رساند.

کتاب اطلس زبانی، گویش سنجی و مستندسازی زبان از سه فصل تشکیل شده است که، با تفصیل بیشتر و نگاهی جزئی‌نگرتر، چه بسا هر یک می‌توانست موضوعی برای کتابی مستقل باشد و با توجه به استقبال دانشجویان از مطالعات گویشی و همین‌طور ظرفیت قابل توجه مربوط به تعدد گویش‌ها در ایران، آثار بنیادی‌تری در اختیار مخاطبان علاقه‌مند قرار دهد. همچنین در کنار معرفی آثار درخشان پژوهشگران خارجی، پرداختن بیشتر به مطالعات زبان‌شناسان ایران یا حتی مطالعاتی که توسط خارجیان بر روی گویش‌های ایران انجام گرفته است، می‌توانست غنای کار را دوچندان سازد.

منابع

- اسدپور، هیوا (۱۳۹۱). «بررسی گونه‌های زبانی در استان آذربایجان غربی با روش فاصله‌سنجی گویشی». زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان). دوره جدید، ش ۱، ۲۰۲-۱۷۳.
- پورریاحی، مسعود (۱۳۷۴). کتاب‌شناسی گویش‌های ایران. ج ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۵). «اطلس گویشی و اندازه‌گیری فاصله‌های گویشی در استان همدان». جستارهای زبانی. س ۷، ش ۱، ۵۸-۳۹.
- عاصی، سید مصطفی (۱۳۷۶). «پایگاه داده‌های زبان فارسی» مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

نجفیان، آرزو، طیبیه موسوی میانگه، بلقیس روشن و سیف‌الله ملایی پاشایی (۱۳۹۳). «اطلس گویشی و گویش‌سنجی کرانه جنوب شرقی دریای مازندران به روش بسامد واکه». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. س ۶، ش ۱۱، ۷۹-۹۸.

Biondelli, B. (1841). *Atlante linguistico d'Europa*. Milano: Rusconie.

Chambers, J. K., & P. Trudgill (2004). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.

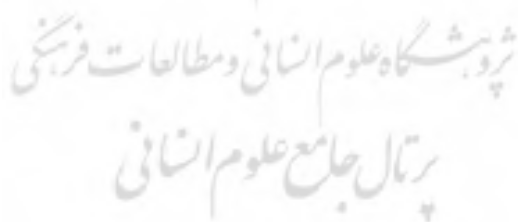
Gooskens, C. (1997). *On the Role of Prosodic and Verbal Information in the Perception of Dutch and English varieties*. Ph.D. thesis. Nijmegen: Katholieke Universiteit.

Kirk, J. M. (2002). „Maps: Dialect and Language“. *Concise Encyclopedia of Sociolinguistics*. R. Mesthrie (ed.), Amsterdam/Oxford: Elsevier, 350-362.

Lameli, A. (2010). "Linguistic atlases-traditional and modern". *Language and space: an international handbook of Linguistic variation*. P. Auer and J. E. Schmidt (eds.). vol.1, 567-592.

Séguy, J. (1973). *Les atlas linguistiques de la France par régions*. Langue française, 65-90.

Wenker, G. (1878). *Sprachatlas der Rheinprovinz nördlich der Mosel sowie des Kreises Siegen*. Nach systemisch aus ca. 1500 Orten gesammeltem Material zusammengestellt, entworfen und gezeichnet. Manuscript (hand-drafted onto printed basemaps) held in the archives of the Forschungszentrum Deutscher Sprachatlas.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی